*آثار اجتماعی مرکزیت مسجد در یک محله*

**صدرالدین فلاح، روزنامه نگار، خبرنگار و محقق آینده‌پژوهی**

مسجد فرهنگ برگرفته از سنت اجتماعی رسول(ص)

تاریخ اسلام مملو از حوادث تلخ و شیرینی است که گاه موجب شادی و گاه موجب غم و اندوه براي مسلمانان شده است. در این میان نقش مساجد به‌عنوان پایگاه مردمی جامعه اسلامی همواره پررنگ بوده است؛ چراكه مردم اخبار خوشحال کننده را از زبان عالمان دین، بر روی سکوهای مساجد شنیده‌اند و در هنگامه غم نیز، آنچه آرامشان ساخته پناهگاهی به نام مسجد بوده است. این میراثی است که اکنون در دستان ما قرار دارد و هرچند جاری و ساری بودنش در میان توده‌ها رونق گذشته را ندارد، اما هنوز هم خانه خداست. مگر می‌شود خانه خدا تأثیر خود را از دست داده باشد.

بافت مذهبی و سنتی جامعه ایرانی همواره نیاز به عبادتگاه و مرکزی برای تجمعات مذهبی و اجتماعی را ایجاب كرده است. معماران این مرز و بوم با مد نظر قرار دادن این اصل، مساجد محلات را در بهترین و در دسترس ترین نقاط شهر بنا می‌کردند تا علاوه بر رؤیت شدن توسط همگان، حضور در مساجد در اوقات نماز به آسانی صورت بگيرد و در کمترین زمان ممکن، بتوان خود را به این پناهگاه امن رساند. ضمن اینکه در طراحی و ساخت مساجد نهایت دقت خویش را به کار می‌گرفتند تا محکم‌ترین و استوارترين بنا را از لحاظ فیزیکی بنا کنند؛ هرچند محکم‌ترینِ بناها همانا جایی است که دل به یاد خدا باشد و پروردگار عالمیان در آن یاد شود.

علاوه بر آنچه درمورد محل فیزیکی و ظاهری مساجد در محله‌ها و کوچه‌ها بيان شد، جایگاه اجتماعی مسجد نیز برگرفته از موقعیت ظاهری آن، نقشی اساسی در دوره‌های گوناگون تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران داشته است كه مردم ما با این کارکرد مساجد ناآشنا نیستند.

دوران‌های مختلف تاریخی و زندگی در گستره حکومت‌های گوناگون، هریک واجد شرایط و موضوعات خود بوده، نوعی از فرهنگ را در میان ملت ها ترویج می‌کند؛ اما همان‌گونه که ذکر شد، بافت مذهبی و معنوی جامعه ایرانی همواره موجب بسط و گسترش فرهنگ دینی در سطوح مختلف اجتماعی شده است؛ به طوری که در هیچ برهه‌ای، مساجد کارکرد اصلی خود یعنی محلی برای تجمعات مذهبی را از دست نداده‌اند.

به گمان برخی، این کارکرد مهم اجتماعی فقط در دوره‌هاي گذشته صدق می‌کرده است. دلیل این نوع نگاه نیز به رویکرد این عده باز می‌گردد كه مسجد را تنها رسانه‌ای برای دین و عالمان دینی تصور می‌کنند که نوعی ابزار در دست و به تناسب زمان، قابل تغییر است و حتی می‌توان برای آن تاریخ مصرف تعیین کرد. اشتباه آنان دقیقاً همین جاست، زیرا مسجد، سوای از یک مکان فیزیکی که شاید از بسیاری منازل شهر و روستا، محقرتر و ساده باشد، خود یک فرهنگ است؛ فرهنگی برگرفته از سنت رسول(ص) که نماد بارز اسلام و آیین جهان شمول آن است و به مانند شعله‌ای فروزنده راه را روشن نگاه داشته و فانوس دریای پرتلاطم فتنه‌ها و سردرگمی هاست.

گواه این سخن، حفظ جایگاه حقیقی مساجد در دنیای امروز است که با وجود انواع و اقسام رسانه‌های مکتوب، شبکه‌های تلویزیونی، اینترنت و ماهواره، همچنان به‌عنوان یگانه عنصر متحدکننده مسلمانان به حیات خویش ادامه می‌دهد. جالب این است که مسجد توانسته است چون دریایی ژرف و بی‌انتها، تمام این موالید تمدن جدید را دربر‌بگيرد. اکنون ما شاهد آن هستيم که جوانان مسجدی، انواع دستاوردهای نوین ارتباطی و دیگر فناوری‌ها را در کنار مسجد و در قالب‌هایی چون کانون مساجد گرد آورده، از آنها بهره می‌جویند؛ اما راه و مسیر خود را گم و هدف را فدای ابزار نکرده‌اند؛ بلکه از وسايل تا آنجا که مشروع شمرده می‌شود استفاده می‌کنند تا مسجد، همچنان پایگاهی باشد برای باز شناختن راه از بی‌راه و پناهگاهی باشد برای دردمندان و انسان‌هایی که جز خدای خویش، ملجاء و ناصری ندارند.

محله‌هاي امروز با محله‌هاي صدها سال پیش علی‌رغم تغییرات ظاهری شگرف و تغییر شیوه چینش ابنیه، یک شباهت عمده با یکدیگر دارند و آن، راه یافتن تمام کوچه پس کوچه‌هایشان به مسجد است. محوریت مرکزی مسجد در اجتماع امروز، همان شیوه قدماست و فقط تفاوت در نوع ساخت و اندک تغییری در معماری است که مساجد را دچار دگرگونی‌های ظاهری کرده است. با اين وجود این گوهر شب فروز همچنان مرکزیت خود را در محله‌ها و مناطق مختلف حفظ کرده و درهایش به روی مشتاقانِ دوست، باز است.

بی‌گمان این شباهت‌ها و این قرین‌بودن مردم یک اجتماع در سطوح بزرگ یا کوچک با مساجد، گویای این واقعیت است که خانه خدا همواره کارکردی اجتماعی و گروهی داشته است و نمی‌توان این عنصر آسمانی را از کوچه‌های خاکی ایران زمین جدا ساخت؛ گویی کوچه‌ها و خیابان‌ها و خانه‌ها حلقه‌اند و مسجد نگین، و این نگین شب‌فروز، نور توحید و یگانگی را بر حاشیه خود می‌تاباند و آدمیان نیز تا این نور را ببینند، راه را نیز در مقابل دیدگان خویش می‌بینند.

امروز مساجد کشورمان با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم تاریخی و اجتماعی خود و استفاده از فناوری‌های روز، پایگاهی شده‌اند برای تجمع جوانان و نوجوانان که اوقات‌فراغت بسیاری از این قشر را با برنامه‌های خود پر می‌کنند. کانون‌های مساجد امروز از فعال‌ترین عرصه‌های کار و تلاش جوانان به شمار می‌روند؛ پایگاه‌های بسیج 20 میلیونی امروز مقر اصلی مقابله با جنگ‌ دشمنان به شمار می‌روند.

همه افراد در هنگامه تکبیر مؤذن دوشادوش یکدیگر در صف‌های نماز قامت می‌بندند و خدای یگانه را پرستش می‌کنند و همه اینها در گرو مرکزیت مسجد است؛ چه اینکه هیچ نهاد و کانون دیگری غیر از مساجد نتوانسته تا این حد موجب یکرنگی و همدلی اقشار گوناگون اجتماع به ویژه جوانان و نوجوانان شود.

امید است همان‌گونه که مسجد در طول قرون و اعصار گذشته موجب جذب حداکثری جوانان شده است، همین کارکرد را در گردآوری سربازان و مشتاقان ظهور حضرت ولی عصر (عج) نیز داشته باشد و غایت ظرفیت خود را در به کارگیری نیروی اجتماع، در بسط و گسترش عدل در پهنه گیتی به کار ببندد.